

درس ۳

اصول انتخاب درست

اقتصاد و مسئله انتخاب

- همه انواع کسب و کارها، با «مسئله انتخاب» مواجه هستند: انتخاب برای نوع محصول یا خدمات تولیدی، انتخاب برای تعداد محصول تولیدی.
- اقتصاد، علم انتخاب است؛ برخی از اقتصاددانان به دلیل اهمیتی که انتخاب در اقتصاد دارد، علم اقتصاد را چنین تعریف کرده‌اند.
- برای گرفتن هر تصمیمی در حوزه اقتصاد در هر کسب و کاری و در هر فعالیت اقتصادی توسط هر فردی قوانین زیر را باید رعایت کنیم:

- ← قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند.
- ← قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید.
- ← قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید.
- ← قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید.
- ← قانون پنجم: بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید.

قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند.

- آگاهی از منابع یا عوامل تولید، اولین قدم برای شروع یک کسب و کار است.
 - منابع تولید در حالت کلی، امکاناتی است که شما برای ارائه محصول یا خدمت خود در اختیار دارید.
- منابع تولید به‌طور کلی شامل سه دسته هستند:**
۱. منابع طبیعی: منظور از منابع طبیعی، «زمین» است. البته دقت کنید که برای کسب و کار کشاورزی «آب» نیز جزء منابع طبیعی به حساب می‌آید.
 ۲. نیروی کار: منظور از نیروی کار، همان عوامل انسانی است که در کسب و کار فعالیت می‌کنند: کارگران، کارمندان و کشاورزان.
 ۳. سرمایه: وقتی از سرمایه حرف می‌زنیم منظورمان سه نوع سرمایه است.
الف) سرمایه فیزیکی: تراکتور در کشاورزی، دستگاه چاپ در دفتر فنی، میز تحریر در شرکت خدماتی.
 - ب) سرمایه انسانی:** دانش و مهارتی که نیروی کار از آن برخوردار است.

مثال تخصصی که گرافیکست از آن برخوردار است، تجربه‌ای که کشاورز در طی سال‌ها به دست آورده است.

- پ) سرمایه مالی:** میزان پول یا ارزش پولی که توسط صاحبان کسب و کار برای گردش کار آورده می‌شود.
 - به‌طور کلی منابعی که در اختیار هر کدام از ما قرار دارد «محدود» و «کمیاب» است.
 - دو اصل اساسی که برای پاسخ به پرسش‌های مربوط به کمیابی باید رعایت کنیم:
- اصل اول: منابعی که در اختیار داریم بی‌نهایت و تکرارپذیر نیستند.

مثال متراژ زمین یک کشاورز تکرارپذیر و بی‌نهایت نیست.

اصل دوم: هر منبعی دارای محدودیت در استفاده است یعنی در آن واحد نمی‌توان از یک منبع دو استفاده متفاوت کرد.

مثال وقتی یک کشاورز تمام زمین کشاورزی را گندم بکارد نمی‌تواند در آن واحد جو نیز بکارد.

نتیجه‌گیری: ما به منابع در دسترس محدود شده‌ایم. در هر نقطه از زمان، هر شخص یا شرکت و یا هر کشوری مقدار معینی از نیروی کار، زمین قابل بهره‌برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی دارد.

قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید.

- هر وقت از «محدودیت منابع» صحبت می‌کنیم همراه آن «مفهوم هزینه فرصت» مطرح می‌شود.
- منظور از «هزینه فرصت» چیست؟ ابتدا به یک مثال دقت کنید: کشاورزی که انتخاب می‌کند در زمین خود گندم بکارد یعنی فرصت به دست آوردن منافع کشت جو را از دست داده است. یعنی کشاورز فوق اگر نمی‌خواست گندم بکارد گزینه بعدی او کشت جو بود که با کاشتن گندم

فرصت به دست آوردن منافع حاصل از کشت جو را از دست داده است. در نتیجه هزینه کاشتن گندم، از دست دادن منافع کاشت جو است. اکنون می‌توان یک تعریف برای «هزینه فرصت» ارائه کرد: «هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش یا منافع بهترین گزینه بعدی است که شما هنگام انتخاب از دست داده‌اید.» وقتی گزینه‌هایی دارید و گزینه‌ای انتخاب می‌کنید، در واقع اولین اولویت را انتخاب می‌کنید. دومین اولویت، هزینه فرصت انتخاب اولویت اول است.

مثال ۱

وقتی بین «سینما رفتن» و «بسکتبال بازی کردن» رفتن به سینما را انتخاب می‌کنید. هزینه فرصت سینما رفتن برابر با از دست دادن بسکتبال بازی کردن است.

مثال ۲

وقتی بین شغل «استخدام در یک شرکت دولتی» و «تدریس خصوصی با درآمد ۲۰ میلیون تومان در ماه» انتخاب می‌کنید که در یک شرکت دولتی استخدام شوید، در واقع هزینه فرصت این انتخاب معادل از دست دادن ۲۰ میلیون تومان در ماه است.

مثال ۳

وقتی بین «شغل الف با درآمد ده میلیون تومان ماهانه» و «شغل ب با درآمد پنج میلیون تومان ماهانه»، شغل «الف» را انتخاب می‌کنید، در واقع هزینه فرصت انتخاب شغل «الف» معادل از دست دادن شغل «ب» با درآمد پنج میلیون تومان ماهانه است.

با مثال سوم می‌خواستم بگویم این‌گونه نیست که وقتی شما انتخابی می‌کنید الزاماً از انتخاب نکردن مورد دیگر ضرر بکنید. در واقع مفهوم هزینه فرصت انتخاب می‌خواهد بگوید که هزینه هر انتخابی مستلزم از دست دادن منافع انتخاب دیگر است.

مفهوم «بده - بستان»:

چون منابع و امکانات کمیاب هستند، همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد. یعنی چیزی را رها کرد تا چیز دیگری را به دست آورد. در سه مثال فوق شما چیزی را رها کردید و چیز دیگری به دست آوردید.

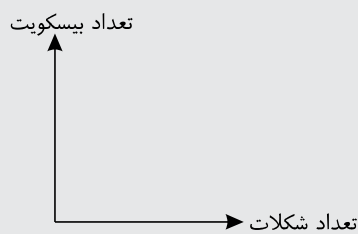
قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید.



- وقتی مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن داریم، در این حالت می‌گوییم ما یک «قید بودجه» داریم.
 - چون «قید بودجه» داریم پس باید از «بده - بستان» استفاده کنیم.
- نتیجه اینک:** محدودیت منابع ← قید بودجه ← استفاده از «بده - بستان»
- روش رسم نمودار خط بودجه:
- براساس مثال کتاب درسی روش رسم نمودار خط بودجه را توضیح می‌دهم.

مثال

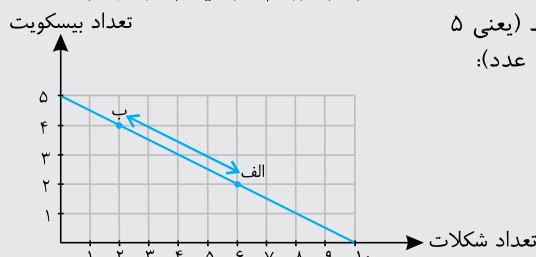
فرض کنید بیست و پنج هزار تومان پول دارید و می‌خواهید تعدادی شکلات ۲۵۰۰ تومانی یا بیسکویت ۵۰۰۰ تومانی خرید کنید. یکی از محورها را تعداد شکلات و محور دیگر را تعداد بیسکویت در نظر می‌گیرید:



در نظر بگیرید که با بیست و پنج هزار تومان چند شکلات می‌توانید بخرید که می‌شود ۱۰ شکلات. در نتیجه محور تعداد شکلات را به ۱۰ قسمت تقسیم می‌کنید و همین‌طور در مورد بیسکویت که می‌توان ۵ بیسکویت با بیست و پنج هزار تومان خرید:



اکنون از بیشترین مقدار بیسکویتی که می‌شود با بیست و پنج هزار تومان خرید (یعنی ۵ عدد) خطی می‌کشیم به بیشترین مقداری که شکلات می‌توان خرید (یعنی ۱۰ عدد):





۷۷. به چه دلیلی اقتصاددانان علم اقتصاد را علم انتخاب تعریف کرده‌اند؟
۷۸. سه قانون از قوانینی را که برای تصمیم در حوزه اقتصاد می‌بایستی رعایت کنیم، نام ببرید.
۷۹. برای یک کشاورز، منابع طبیعی شامل چه مواردی می‌شوند؟ دو مورد نام ببرید.
۸۰. تفاوت میان نیروی انسانی و سرمایه انسانی را با مثال تشریح کنید.
۸۱. هر کدام از عبارات‌های زیر مربوط به کدام یک از قوانین مترتب بر تصمیم‌گیری در امر اقتصاد است؟
الف) هرگاه از «محدودیت منابع» صحبت می‌کنیم همراه آن این مفهوم مطرح می‌شود.
ب) در رابطه با این قانون باید از «بده - بستان» استفاده کنیم.
پ) برای اینکه بتوانیم تصمیم‌های درست بگیریم باید از هزینه‌هایی که برای یک انتخاب کرده‌ایم و به نتیجه نرسیده‌ایم سریع عبور کنیم.
ت) از مهم‌ترین مراحل راه‌اندازی و استمرار برای یک کارآفرین است.
ث) آگاهی از عوامل تولید، اولین قدم برای شروع یک کسب و کار است.
۸۲. دو اصلی که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مربوط به کمیابی باید رعایت کنیم، کدام هستند؟
۸۳. فرض کنید درآمد به‌دست آمده از کار «الف» ۲۰ واحد و درآمد به‌دست آمده از کار «ب» ۳۰ واحد است. در صورتی که شما کار «الف» را انتخاب کرده باشید، هزینه فرصت انتخاب کار «الف» چه مقدار است؟
۸۴. به چه دلیلی همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد؟
۸۵. منظور از قید بودجه چیست؟
۸۶. بالای خط بودجه در نمودار قید بودجه به چه معنایی است؟
۸۷. عبارت زیر بیانگر کدام یک از قوانین مترتب بر تصمیم‌گیری در امر اقتصاد است؟
«برای اینکه بتوانیم تصمیم‌های درست بگیریم باید از هزینه‌هایی که برای یک انتخاب کرده‌ایم و به نتیجه نرسیده‌ایم سریع عبور کنیم.»
۸۸. «احمدرضا تصمیم می‌گیرد مغازه‌ای را اجاره کند که در آن لوازم یدکی تلفن همراه بفروشد، اما از طرفی نگران است که درآمد کافی از این راه به دست نیآورد. در نتیجه تصمیم می‌گیرد بخش دیگری از مغازه را به فروش لوازم الکتریکی اختصاص دهد.» این شکل از تصمیم احمدرضا به کدام رویکرد در مقایسه میان منافع و هزینه‌ها اشاره دارد؟
۸۹. سه دلیل از دلایل تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی مردم را نام ببرید.
۹۰. هر کدام از گزاره‌های زیر را در یکی از منابع کمیاب (منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) طبقه‌بندی کنید. (تفکر و تمرین کتاب درسی)

منابع کمیاب	گزاره
	باغچه خانه که در آن سبزی کاشته‌اید.
	ابزارآلات باغبانی که از آن‌ها استفاده می‌کنید.
	باغبانی که برای هرس کردن درختان باغچه استخدام می‌کنید.
	علم و دانشی که در مدرسه کسب کرده‌اید.
	کود طبیعی و آبی که برای باغچه استفاده می‌کنید.
	مهارتی که برای فروش بخشی از سبزیجات باغچه به همسایگان به کار می‌گیرید.

(تفکر و تمرین کتاب درسی)

۹۱. هزینه فرصت هر کدام از فعالیت‌های زیر چیست؟

- تعمیر رایانه شخصی
- تماشای فیلم امشب تلویزیون
- زودتر به رختخواب رفتن
- بازی والیبال در مدرسه
- شغل پاره‌وقت بعد از زمان مدرسه
- رفتن به دانشگاه بعد از دبیرستان
- اشتغال بدون ادامه تحصیل

(تفکر و تمرین کتاب درسی)

۹۲. تصمیمات زیر را تحلیل کنید:

- این لباس را به قیمت خیلی خوبی خریدم؛ زیرا در حراجی بود.
- من «برند معمولی» خریدم؛ زیرا ارزان‌تر از «برند معروف» بود.
- من واقعاً آن تئاتر را دوست نداشتم، اما ترجیح دادم بمانم؛ زیرا پول زیادی برای آن داده بودم.
- من غواصی را دوست دارم و بسیاری از دوستانم هم آن را دوست دارند. مطمئنم که می‌توانم مغازه وسایل غواصی باز کنم و پول در بیاورم. فکر می‌کنم بهتر است مدرسه را ترک کنم و یک مغازه وسایل غواصی راه بیندازم.
- تا حالا فهرست وظایف برای خودم نوشته‌ام، چون فکر می‌کنم به وقت زیادی نیاز دارم.

پرسش‌های تستی

۹۳. هر کدام از موارد زیر به کدام یک از قوانین مترتب بر تصمیم‌گیری اشاره دارد؟

الف) آگاهی از منابع یا عوامل تولید، اولین قدم برای شروع یک کسب و کار است.

ب) تصمیم گرفتن وقتی که مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن داریم.

پ) تنها هزینه‌ای که بر تصمیم‌گیری مان مؤثر است، هزینه‌هایی است که در زمان تصمیم‌گیری به وجود می‌آیند.

ت) چون منابع و امکانات کمیاب هستند، همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد.

۱) منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. - قید بودجه خود را ترسیم کنید. - هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. - بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید.

۲) بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید. - هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. - منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. - قید بودجه خود را ترسیم کنید.

۳) بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید. - قید بودجه خود را ترسیم کنید. - منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. - قید بودجه خود را ترسیم کنید.

۴) منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. - قید بودجه خود را ترسیم کنید. - هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. - هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید.

۹۴. در عبارت «زمینی را به کشت پنبه اختصاص داده‌ایم در صورتی که می‌توانستیم در آن گندم بکاریم و این محصول را برداشت کنیم» هزینه فرصت

کدام است؟

(فارج از کشور ۸۶)

۱) تفاوت قیمت پنبه و گندم است.

۲) مقدار پنبه‌ای است که به فروش می‌رسانیم.

۳) میزان محصول گندمی است که از آن صرف‌نظر کردیم.

۴) میزان ضرری است که در صورت کشت گندم متحمل می‌شویم.

(کنکاشی)

۹۵. کدام گزینه بیانگر مفهوم هزینه فرصت نیست؟

۱) وقتی منبعی را برای یک مصرف خاص به کار می‌بریم، در واقع از مصارف دیگر آن منبع صرف‌نظر کرده‌ایم.

۲) اگر زمینی را به کشت پنبه اختصاص دهیم، عملاً از گندمی که می‌توانستیم برداشت کنیم صرف‌نظر کرده‌ایم.

۳) اگر پولمان را به خرید لباس اختصاص دهیم، از خرید کتاب صرف‌نظر کرده‌ایم.

۴) وقتی منبعی را برای یک مصرف خاص به کار می‌بریم، در واقع در آینده به مصارف دیگر آن منبع خواهیم پرداخت.

۹۶. اگر زمینی را به کشت پنبه اختصاص دهیم، با توجه به مفهوم هزینه فرصت، کدام رابطه زیر درست است؟

۱) هزینه فرصت کاشت گندم = میزان محصول پنبه‌ای که قرار است بکاریم.

۲) هزینه فرصت کاشت پنبه = میزان محصول گندمی که از آن صرف‌نظر کرده‌ایم.

۳) هزینه فرصت کاشت گندم = میزان محصول پنبه‌ای که از آن صرف‌نظر کرده‌ایم.

۴) هزینه فرصت کاشت پنبه = میزان محصول گندمی که آن را کاشته‌ایم.

۹۷. آقای زندگی، ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان از سرمایه‌گذاری در بورس به دست آورده است. اگر او با این مبلغ به فعالیت تولیدی بپردازد، ظرف یک سال

۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان سود به دست می‌آورد. اگر این پول را در بانک به صورت سپرده طولانی‌مدت قرار دهد، پس از یک سال ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان منفعت می‌برد

و در صورتی که با آن یک بیمارستان عام‌المنفعه تأسیس کند، هیچ پولی عایدش نمی‌شود. با این توضیحات، آقای زندگی تصمیم به تأسیس بیمارستان

عام‌المنفعه می‌گیرد. در این صورت هزینه فرصت این فعالیت کدام است؟

۱) ۴,۶۰۰,۰۰۰ تومان

۲) ۱۰۰,۰۰۰ تومان

۳) ۶۰۰,۰۰۰ تومان

۴) ۵۰۰,۰۰۰ تومان

۹۸. با انجام فعالیت «الف»، سود سالانه‌ای که برای خانم محمودی به دست می‌آید، ۱۲۰۰ میلیون تومان است. از طرف دیگر اگر فعالیت «ب» را انجام

دهد ماهانه به سود ۱۲۰ میلیون تومانی می‌رسد. براساس اصول اقتصادی که خوانده‌اید کدام فعالیت توسط خانم محمودی باید انجام شود؟

۱) فعالیت «ب» چون هزینه فرصت بیشتری دارد.

۲) فعالیت «الف» چون هزینه فرصت بیشتری دارد.

۳) فعالیت «ب» چون هزینه فرصت کمتری دارد.

۴) فعالیت «الف» چون هزینه فرصت کمتری دارد.

۹۹. به چه دلیلی همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب «بده - بستان» کرد؟

۱) اصل منفعت و دوری از ضرر

۲) وجود کمیابی در منابع و امکانات

۳) افزایش هزینه فرصت

۴) دوری از انتخاب غیرعقلانی

۱۰۰. وقتی مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن داریم، در این حالت می‌گوییم ما دارای چه چیزی هستیم؟

۱) نیاز به افزایش بودجه

۲) وجود کمیابی در منابع و امکانات

۳) کاهش هزینه فرصت

۴) قید بودجه

۱۰۱. آنچه موجب می‌شود شرکتی مجبور باشد بین گزینه‌های انتخاب خط تولید، بده - بستان کند، کدام است؟
 ۱) قید بودجه ۲) هزینه فرصت ۳) اصل دوری از ضرر ۴) افزایش تولید

۱۰۲. پاسخ درست به پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟
 الف) منابع یا عوامل تولید کدام است؟
 ب) تجربه‌ای که یک سرکارگر چایخانه در استفاده از دستگاه چاپ به دست آورده است، چه چیزی محسوب می‌شود؟
 پ) وقتی می‌گوییم «اگر یک کشاورز تمام زمین کشاورزی را گندم بکارد، نمی‌تواند در آن واحد جو نیز بکارد.» اشاره به کدام مفهوم داریم؟
 ت) هر انسانی به چه منابعی محدود شده است؟

- ۱) الف) منابع طبیعی - نیروی کار - سرمایه (ب) نیروی انسانی (پ) هر منبعی دارای محدودیت در استفاده است. ت) منابع در دسترس
 ۲) الف) منابع طبیعی - نیروی کار - سرمایه (ب) سرمایه انسانی (پ) هر منبعی دارای محدودیت در استفاده است. ت) منابع در دسترس
 ۳) الف) زمین - نیروی کار - سرمایه انسانی (ب) نیروی انسانی (پ) منابعی که در اختیار داریم بی‌نهایت و تکرارپذیر نیستند. ت) منابع محدود
 ۴) الف) زمین - نیروی کار - سرمایه انسانی (ب) سرمایه انسانی (پ) منابعی که در اختیار داریم بی‌نهایت و تکرارپذیر نیستند. ت) منابع محدود

۱۰۳. هر کدام از موارد زیر به ترتیب مربوط به کدام دسته از منابع یا عوامل تولید هستند؟
 الف) مهارتی که راننده تراکتور در شخم زدن زمین دارد. ب) فعالیتی که آسیابان برای آرد کردن گندم انجام می‌دهد.
 پ) آب و بذری که در کشاورزی به کار می‌رود. ت) طلایی که از معدن طلا استخراج می‌شود.

- ۱) سرمایه انسانی - نیروی کار - منابع طبیعی - منابع طبیعی ۲) نیروی کار - نیروی کار - منابع طبیعی - سرمایه فیزیکی
 ۳) سرمایه انسانی - سرمایه انسانی - سرمایه فیزیکی - سرمایه فیزیکی ۴) نیروی کار - سرمایه انسانی - سرمایه فیزیکی - منابع طبیعی
 ۱۰۴. شیرین و غسل تصمیم می‌گیرند بعد از ظهر پنجشنبه به سینما بروند. آن‌ها در مجموع بیست هزار تومان برای دیدن فیلم هزینه پرداخت می‌کنند، اما همان اوایل فیلم متوجه می‌شوند که فیلم پخش شده مورد علاقه‌شان نیست و از سینما بیرون می‌آیند. این هزینه را در علم اقتصاد چه می‌نامیم؟
 ۱) هزینه غیر ضروری ۲) هزینه فرصت ۳) هزینه هدررفته ۴) هزینه سربار

۱۰۵. در رابطه با قانون چهارم (هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید) کدام گزینه نادرست است؟
 ۱) تنها هزینه‌ای که بر تصمیم‌گیری مان مؤثر است، هزینه‌هایی است که در زمان تصمیم‌گیری به وجود می‌آیند.
 ۲) هزینه‌های هدررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته‌اند و قابل برگشت نیستند.
 ۳) آن بخش از هزینه هدررفته که تأثیری بر روند رفتار اقتصادی ما ندارد، مهم نیست.
 ۴) برای اینکه بتوانیم تصمیم‌های درست بگیریم باید از هزینه‌هایی که برای یک انتخاب کرده‌ایم و به نتیجه نرسیده‌ایم سریع عبور کنیم.

۱۰۶. برای رسیدن به در انتخاب یک کسب و کار باید تمام منافع را با تمام هزینه‌ها مقایسه کنیم و سپس در صورتی که بیش از بود آن کسب و کار را انتخاب کنیم.
 ۱) یک تصمیم‌گیری منطقی - منافع - هزینه‌ها ۲) سود مورد انتظار - منافع - هزینه‌های هدررفته
 ۳) یک تصمیم‌گیری منطقی - سود - هزینه فرصت ۴) سود مورد انتظار - سود - هزینه‌ها

۱۰۷. هر کدام از موارد زیر به ترتیب به کدام دسته از خطاهای تصمیم‌گیری اشاره می‌کند؟
 الف) من مطمئنم که اگر پدر کار دولتی خود را رها کند و اغذیه‌فروشی راه بیندازد، بهترین نتیجه را می‌گیرد.
 ب) غذایی که از رستوران گرفتم اصلاً کیفیت خوبی نداشت ولی چون پولش را داده بودم تا ته خوردم.
 پ) کفش لازم نداشتم ولی از بس خوشگل بود از حراجی خریدم.
 ت) پدرم به دنبال همان کاری رفت که پدر بزرگم رفته بود. او معتقد است وقتی چیزی آماده است همان را باید محکم گرفت و از من هم می‌خواهد بدون توجه به علاقه‌ام، شغل او و پدر بزرگم را انتخاب کنم.

- ۱) بی‌صبوری زیاد - توجه به هزینه‌های هدررفته - اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها - اعتماد به نفس بیش از حد
 ۲) بی‌صبوری زیاد - توجه به هزینه‌های هدررفته - چسبیدن به وضعیت فعلی - اعتماد به نفس بیش از حد
 ۳) اعتماد به نفس بیش از حد - عدم توجه به هزینه‌های هدررفته - اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها - چسبیدن به وضعیت فعلی
 ۴) اعتماد به نفس بیش از حد - عدم توجه به هزینه‌های هدررفته - چسبیدن به وضعیت فعلی - چسبیدن به وضعیت فعلی

مسائل اقتصاد

۱۰۸. با توجه به موارد زیر، پاسخ درست کدام گزینه است؟

الف) کشاورزی در زمین خود گندم می‌کارد و سالانه با برداشت ۱۰ تن از قرار هر تن ۲۰ واحد سود می‌برد. در صورتی که جو می‌کاشت ماهانه به درآمد ۳ واحد سود می‌رسید. هزینه فرصت انتخاب گندم برای کشت برای این کشاورز معادل ۳۶ واحد است.
 ب) رویا موقع انتخاب رشته دچار تردید شده است. آیا دانشگاه سراسری در شهرستانی دیگر را انتخاب کند و متقبل هزینه ماهانه ۳ میلیون تومان باشد یا دانشگاه آزاد را در شهر خود انتخاب کند که هزینه سالانه ۲۴ میلیون تومان برای او دارد. رویا دانشگاه سراسری را انتخاب می‌کند و هزینه فرصت این انتخاب برای او به صورت ماهانه ۲ میلیون تومان خواهد بود.
 پ) آقای معینی یک دستگاه تراکتور دارد. او تصمیم گرفته است که با تراکتورش بر روی زمین خود کار کند و به درآمد سالانه ۲۰۰ میلیون تومان برسد. از طرف دیگر به او پیشنهاد شده است که تراکتورش را به آقای سعیدی اجاره دهد و ماهانه ده میلیون تومان به دست آورد. آقای معینی سر تصمیم خود می‌ماند. این انتخاب او هزینه فرصتی معادل ۱۲۰ میلیون تومان در سال برای او خواهد داشت.

- ۱) درست - درست - درست ۲) نادرست - درست - درست
 ۳) نادرست - درست - نادرست ۴) درست - نادرست - نادرست

سهام‌دارانی که چهل درصد کل سهام‌داران هستند و ۱۰ درصد کل سهام را در اختیار دارند، مقدار سود متعلق به آنان به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$10\% \times 25,722,000,000 = 2,572,200,000$$

سهام‌دارانی که پنجاه درصد کل سهام‌داران هستند و بقیه سهام را در اختیار دارند که بقیه سهام می‌شود ۴۰ درصد سهام (۵۰ درصد از آن گروه اول و ۱۰ درصد از آن گروه دوم بود)، مقدار سود متعلق به آنان به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$40\% \times 25,722,000,000 = 10,288,800,000$$

(صفحات ۱۶ و ۸ کتاب درسی)

۷۴. گزینه ۴ ﴿ هزینه‌هایی را که لازم است محاسباتی روی آن‌ها انجام شود به دست آورده و سپس مجموع هزینه‌ها به دست می‌آوریم:

مجموع حقوق یک سال $3,500,000 \times 100 \times 12 = 4,200,000,000$

هزینه استهلاک سالانه $5 \times 4,200,000,000 = 210,000,000$

مجموع هزینه‌ها $4,200,000,000 + 210,000,000 + 1,200,000,000 + 100,000,000 = 5,710,000,000$

$100 \times 5,710,000,000 = 5,710,000,000$

$5,710,000,000 - 5,710,000,000 = -710,000,000$

اکنون درآمد را به دست می‌آوریم:

سود یا ضرر نهایی چه مقدار خواهد بود:

در نهایت نسبت به سهام، ضرری را که متوجه شرکت شده است و می‌بایستی هر گروه سهام‌دار آن به عهده بگیرد، چنین محاسبه می‌کنیم:

گروه اول: سهام‌دارانی که بیست درصد کل سهام‌داران هستند و ۴۰ درصد کل سهام را در اختیار دارند، مقدار ضرری که می‌بایستی متقبل بشوند به صورت

زیر محاسبه می‌شود:

$40\% \times -710,000,000 = -284,000,000$

گروه دوم: سهام‌دارانی که چهل درصد کل سهام‌داران هستند و ۲۰ درصد کل سهام را در اختیار دارند، مقدار ضرری که می‌بایستی متقبل بشوند به صورت

زیر محاسبه می‌شود:

$20\% \times -710,000,000 = -142,000,000$

گروه سوم: باقی‌مانده سهام‌داران که چهل درصد کل سهام‌داران هستند و ۴۰ درصد سهام را در اختیار دارند (۴۰ درصد گروه اول، ۲۰ درصد گروه دوم، پس

برای گروه سوم می‌شود ۴۰ درصد)، مقدار ضرری که می‌بایستی متقبل بشوند به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$40\% \times -710,000,000 = -284,000,000$

(صفحات ۱۶ و ۸ کتاب درسی)

۷۵. گزینه ۱ ﴿ چون درآمد ثابت است پس در وضعیتی که بخواهد برای سال آینده به نتیجه برسد می‌بایستی عدد ضرر را از هزینه‌ها کسر کند. با توجه

به صورت سؤال بقیه هزینه‌ها تغییرپذیر نیست و مقدار ۱۲ میلیون تومان ضرر را باید از مقدار پرداختی برای حقوق یک‌ساله کارگران کم کند. پس ۱۲ میلیون

تومان را باید به نسبت مساوی از حقوق هر ۱۲ کارگر کسر کند:

یعنی در سال از پرداختی به هر کارگر باید یک میلیون تومان کم کند.

۷۶. گزینه ۱ ﴿ الف: سهم نفر «ب» ۴۰ درصد از کل سهام است، پس ۴۰ درصد کل سهام را به دست می‌آوریم:

$120000 \times 40\% = 48000$

ب: نفر «ت» بیست درصد سهام نفر «پ» را خریده است، ابتدا مقدار سهم نفر «پ» را به دست می‌آوریم که ۵۰ درصد کل سهام است که می‌شود نصف ۱۲۰

هزار سهم یعنی ۶۰ هزار سهم و سپس بیست درصد آن را به دست می‌آوریم:

$60000 \times 20\% = 12000$

(صفحه ۱۶ کتاب درسی)

۷۷. به دلیل اهمیتی که «انتخاب» در اقتصاد دارد.

۷۸. قانون اول: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید. قانون سوم: قید بودجه خود

را ترسیم کنید. قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. قانون پنجم: بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید.

۷۹. زمین و آب

۸۰. منظور از نیروی کار همان عوامل انسانی است که در کسب و کار فعالیت می‌کنند: کارگران، کارمندان و کشاورزان. اما منظور از سرمایه انسانی دانش و

مهارتی است که نیروی انسانی داراست. مانند تخصصی که کارگران یک کارخانه فولاد در به کار گرفتن دستگاه‌های الکترونیکی دارند.

۸۱. الف: هزینه فرصت / ب: ترسیم قید بودجه / ب: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. / ت: بین هزینه‌ها و منافع خود، مقایسه کنید. / ث: منابع خود

را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند.

۸۲. اصل اول: منابعی که در اختیار داریم بی‌نهایت و تکرارپذیر نیستند. اصل دوم: هر منبعی دارای محدودیت در استفاده است یعنی در آن واحد نمی‌توانیم

از یک منبع دو استفاده متفاوت بکنیم.

۸۳. هزینه فرصت انتخاب کار «الف» برابر با از دست دادن منافع کار «ب» است. پس برابر با ۳۰ واحد است.

۸۴. چون منابع و امکانات کمیاب هستند، همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد. یعنی چیزی را رها کرد تا چیز دیگر را به دست آورد.

۸۵. وقتی مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن داریم، در این حالت می‌گوییم ما یک «قید بودجه» داریم.

۸۶. به این معناست که طبق بودجه نمی‌توان به آن نوع هزینه کرد پرداخت.

۸۷. قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید.

۸۸. به رویکرد دوم اشاره دارد چون: «به انتخاب چه مقدار از هر چیز اشاره می‌کند».

۸۹. ۱. اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها. ۲. عدم توجه به هزینه‌های هدررفته. ۳. بی‌صبری زیاد. ۴. اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی بودن.

۵. چسبیدن به وضعیت فعلی.

۹۰. باغچه خانه که در آن سبزی کاشته‌اید: منابع طبیعی / ابزارآلات باغبانی که از آن‌ها استفاده می‌کنید: سرمایه فیزیکی / باغبانی که برای هرس کردن درختان باغچه استخدام می‌کنید: نیروی کار / علم و دانشی که در مدرسه کسب کرده‌اید: سرمایه انسانی / کود طبیعی و آبی که برای باغچه استفاده می‌کنید: منابع طبیعی / مهارتی که برای فروش بخشی از سبزیجات باغچه به همسایگان به کار می‌گیرید: سرمایه انسانی

۹۱. روش کشف پاسخ: دقت کنید که موارد گفته‌شده در تمرین کتاب درسی بر این اساس نوشته شده است که شما چون دانش‌آموز هستید از زاویه یک دانش‌آموز پاسخ بدهید. پس ببینید که مثلاً اگر بلد بودید رایانه خودتان را تعمیر کنید، آن وقت کدام کار را انجام ندادید. منفعت ناشی از آن کاری که انجام ندادید می‌شود هزینه فرصت و دقت کنید که یک پاسخ درست نداریم. حال پاسخ پرسش‌ها:

تعمیر رایانه شخصی مثلاً به جای رفتن به سینما؛ تماشای فیلم امشب تلویزیون مثلاً به جای مرور کردن درس فردا؛ زودتر به رختخواب رفتن مثلاً به جای نشستن در دورهمی خانواده؛ بازی والیبال در مدرسه مثلاً به جای بازی فوتبال؛ شغل پاره‌وقت بعد از زمان مدرسه مثلاً به جای استراحت و تفریح؛ رفتن به دانشگاه بعد از دبیرستان مثلاً به جای رفتن به سربازی؛ اشتغال بدون ادامه تحصیل مثلاً به جای رفتن به دانشگاه.

۹۲. روش کشف پاسخ: هر کدام از موارد گفته‌شده براساس «پنج اشتباه رایج در تصمیم‌گیری» می‌بایستی تحلیل شوند:

«این لباس را به قیمت خیلی خوبی خریدم؛ زیرا در حراجی بود.» اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها؛ «من «برند معمولی» خریدم؛ زیرا ارزان‌تر از «برند معروف» بود.» اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها؛ «من واقعاً آن تئاتر را دوست نداشتم، اما ترجیح دادم بمانم؛ زیرا پول زیادی برای آن داده بودم.» عدم توجه به هزینه‌های هدررفته؛ «من غواصی را دوست دارم و بسیاری از دوستانم هم آن را دوست دارند. مطمئنم که می‌توانم مغازه وسایل غواصی باز کنم و پول دربیآورم. فکر می‌کنم بهتر است مدرسه را ترک کنم و یک مغازه وسایل غواصی راه بیندازم.» بی‌صبری زیاد؛ «تا حالا فهرست وظایف برای خودم ننوشته‌ام. چون فکر می‌کنم به وقت زیادی نیاز دارم.» چسبیدن به وضعیت فعلی

۹۳. گزینه ۴ الف: منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند. / ب: قید بودجه خود را ترسیم کنید. / پ: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید. / ت: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید.

۹۴. گزینه ۳ ما کاشت پنبه را انتخاب کردیم پس هزینه فرصت آن میزان گندمی است که از دست دادیم.

۹۵. گزینه ۴ هر انتخابی مستلزم از دست دادن انتخاب‌های دیگر است و انسان‌ها همیشه بهترین گزینه خود را از نظر منافع انتخاب کرده و با این انتخاب بهترین گزینه بعدی خود را از دست می‌دهند.

۹۶. گزینه ۲ با کشت پنبه عملاً از کشت گندم صرف نظر کرده‌ایم.

۹۷. گزینه ۴ عقلانیت و «هزینه - فایده» حکم می‌کند که اگر می‌خواست کار عام‌المنفعه نکند، کاری را انتخاب می‌کرد که سود بیشتری داشته باشد؛ پس ۵۰۰,۰۰۰ تومان سود را از دست داده است.

۹۸. گزینه ۳ ابتدا دقت کنید که سود حاصل از فعالیت «ب» بیشتر از فعالیت «الف» است، چون فعالیت «الف» سالانه است که وقتی به ماه تبدیل شود عدد ۱۰۰ میلیون تومان خواهد شد. درحالی‌که سود فعالیت «ب» ۱۲۰ میلیون تومان به‌صورت ماهانه است. پس از نظر اقتصادی فعالیت «ب» عقلانی‌تر به نظر می‌رسد. تا اینجا گزینه‌های «۱» و «۳» درست هستند. وقتی فعالیت «ب» را انتخاب می‌کنیم چون هزینه فرصتی که از دست می‌دهیم کمتر از زمانی است که فعالیت «الف» را انتخاب می‌کنیم. پس پاسخ گزینه «۳» خواهد بود.

۹۹. گزینه ۲ به دلیل وجود کمیابی در منابع و امکانات، همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده - بستان» کرد.

۱۰۰. گزینه ۴ وقتی مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می‌گوییم شما یک «قید بودجه» دارید.

۱۰۱. گزینه ۱ چون «قید بودجه» دارد مجبور است از «بده - بستان» در انتخاب گزینه‌ها استفاده کند.

۱۰۲. گزینه ۲ الف: منابع یا عوامل تولید: ۱. منابع طبیعی ۲. نیروی کار ۳. سرمایه / ب: تجربه‌ای که سرکارگر به دست آورده است مهارت و دانشی است که طی سالیان کسب کرده است، پس جزء سرمایه انسانی است. / پ: این عبارت اشاره دارد به اینکه هر منبعی دارای محدودیت در استفاده است. / ت: ما به منابع در دسترس محدود شده‌ایم.

۱۰۳. گزینه ۱ الف: در مورد مهارت حرف می‌زنیم پس «سرمایه انسانی» است. / ب: در مورد خود فعالیت و کار حرف می‌زنیم پس «نیروی کار» است. / پ: آب و بذر همانند زمین، منابع طبیعی به حساب می‌آیند. / ت: طلای استخراجی نیز مانند آب و بذر است و «منابع طبیعی» به حساب می‌آید.

(صفحات ۲۴ و ۲۵ کتاب درسی)

۱۰۴. گزینه ۳ هزینه‌های هدررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته‌اند و قابل برگشت نیستند.

۱۰۵. گزینه ۳ هزینه‌های هدررفته به‌طور کلی مهم نیستند، چون دیگر رفته‌اند و قابل برگشت نیستند پس آنچه در گزینه «۳» آمده است، نادرست است.

۱۰۶. گزینه ۱ برای رسیدن به یک «تصمیم‌گیری منطقی» در انتخاب یک کسب و کار باید تمام منافع را با تمام هزینه‌ها مقایسه کنیم و سپس در صورتی که «منافع» بیش از «هزینه‌ها» بود آن کسب و کار را انتخاب کنیم.

۱۰۷. گزینه ۳ الف: این نوع اطمینان داشتن و ریسک کردن بدون برآورد اینکه پدر می‌تواند اغذیه‌فروشی را بگرداند یا سرمایه لازم برای این کار را دارد، نشان‌دهنده این است که گوینده دچار «اعتمادبه‌نفس بیش از حد» شده است. / ب: عدم توجه به هزینه‌های هدررفته / پ: اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها / ت: وقتی پدر توصیه می‌کند که آنچه آماده هست را بپذیرد یعنی به وضعیت فعلی چسبیدن را توصیه می‌کند.

۱۰۸. گزینه ۱ الف: درست است، چون کشاورز اگر جو می‌کاشت به درآمد ماهانه ۳ واحد دست می‌یافت که در سال می‌شود ۳۶ واحد. پس هزینه فرصت کاشت گندم برای کشاورز از دست دادن ۳۶ واحد بوده است. / ب: درست است، چون رویا اگر دانشگاه آزاد را انتخاب می‌کرد سالانه ۲۴ میلیون تومان می‌بایست پرداخت می‌کرد که اگر به‌صورت ماهانه در نظر بگیریم برابر با ۲ میلیون تومان خواهد بود. / پ: درست است، چون آقای معینی اگر تراکتور خود را اجاره می‌داد به درآمد ماهانه ده میلیون تومان و سالانه معادل ۱۲۰ میلیون تومان می‌رسید که با انتخاب کار کردن با تراکتور توسط خودش، ۱۲۰ میلیون تومان سالانه را از دست داده است.

(صفحه ۲۶ کتاب درسی)